

# آیا وعده‌های روحانه محقق شده‌اند؟

ویژگی‌هایی که «وعده‌های انتخاباتی» باید داشته باشند تا در حد وعده باقی نمانند

دکتر ابراهیم حاجانی

جامعه‌شناس و معاون مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

## آیا برگزاری انتخابات بدون وعده وعید دادن‌ها امکان‌پذیر است؟ وعده‌های انتخاباتی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

۱ آیا برگزاری انتخابات بدون وعده وعید دادن‌ها امکان‌پذیر است؟ «امیدوار سازی» و «کاشتن بذر آرزوها»، «افزایش انتظارات» و «نشان دادن مطالبات جدید به آحاد شهروندان» بخش‌هایی ناپذیر از فرآیند ذاتی انتخابات در نظام‌های مردم‌سالار است.

به لحاظ روان‌شناختی، تمام کاندیداها در عرصه انتخابات با هدف تحقق یک مجموعه وعده‌ها و تمنیات عمومی و پاسخ دادن به مطالبات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی پایه عرصه رقابت می‌گذارند، چرا که در غیر این صورت، لزوم و ضرورتی به کاندیداتوری و حضور در عرصه رقابت نمی‌بینند.

۲ در فرآیند انتخابات، به مثابه یک بازار رأی دهی و رأی‌یابی، کاندیداها مجموعه‌ای از شعارها، باورها، ارزش‌ها و آرمان‌های خود را به عرصه عمومی ارائه و معرفی می‌کنند تا رأی دهندگان این بسته‌های پیش‌رو را ارزیابی و یکی از آنها را انتخاب و به فرد مورد نظرشان رأی دهند. لذا ماهیت و آنچه کاندیداها در انتخابات در فضای رقابت در معرض افکار عمومی رأی دهندگان قرار می‌دهند از جنس «وعده» است، باید افزود وعده‌ها ماهیتاً خوب یا بد نیستند بلکه آنچه مهم است «امکان‌پذیری» یا «امکان ناپذیری» تحقق وعده‌ها است. پرواضح است برخی از این وعده‌ها به دلیل ماهیت آرمانی و ایده‌آل خود هیچگاه محقق نمی‌شوند یا اجرایی و عملی شدن آنها در بازه‌های زمانی کوتاه مدت ممکن نیست.

۳ حال سؤال اصلی آن است که آیا کاندیداها حق دارند بر طبل مطالبات و تقاضاهای شهروندان به هرنحوی که مایل بودند بکوبند و آتش اشتیاق مردم را برافروزند و آیا از لحاظ اخلاقی، کاندیداها می‌توانند و مختارند تا وعده‌هایی را مطرح کنند که از اجرای همه یا برخی از آنها ناتوان باشند یا زمینه عملی شدن وعده‌هایشان وجود نداشته باشد؟

پاسخ به این دست از پرسش‌ها چندان راحت نیست. بویژه آنکه هنگامی که انتخابات در فضا و شرایطی برگزار شود که نظام حزبی قابل قبولی وجود نداشته باشد و بررسی‌ها و مطالبات سازمانده‌ای برای طراحی، تنظیم و پی‌آیش وعده‌ها (به مثابه برنامه‌های حزبی) انجام نشده باشد.

در فقدان یک نظام حزبی مشخص، برنامه‌ها و وعده‌های انتخاباتی، معمولاً مغشوش، مبهم، آرمانی و شعارگونه خواهند بود. در این اوضاع هر کاندید با طرح و وعده‌هایی که معمولاً به‌طور عمیق به آنها اعتقاد و ایمان دارند، سعی در جلب افکار عمومی دارند.

اما یک ملاحظه مهم دیگر آن است که کاندیداها و رقبا توجه نمی‌کنند که عملی شدن وعده‌ها بشدت متأثر و وابسته به «شرایط» و «بسترهای مساعد» آن است که این بسترها هم همواره آماده و مهیا نیستند یا همیشه ثابت و پایدار نمی‌مانند.

۴ از موضع اخلاقی یا اخلاق سیاسی این پرسش مهم مطرح می‌شود که آیا رقبای سیاسی حق دارند از وعده‌هایی سخن بگویند که خود از عدم امکان تحقق آنها آگاهی و پیش‌آگاهی دارند؟ به صورت طبیعی و بدیهی «اخلاق سیاسی» هیچگاه اجازه طرح چنین وعده‌هایی را نمی‌دهد؛ چرا که آشکارا این وعده‌ها ماهیت دروغین دارند و مرتکبین آن دچار عمل غیر اخلاقی می‌شوند. طرح چنین وعده‌هایی در فرهنگ سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی کمتر رخ می‌دهد.

به عبارتی، اغلب کاندیداها وعده‌هایی می‌دهند (جداز درستی یا نادرستی آن وعده‌ها) که تصور می‌کنند «توان»، «امکان» و «زمینه اجرایی شدن» آنها را دارند. بویژه زمانی که رقبای سیاسی مستظهر به پشتوانه‌های سیاسی، حزبی و جناحی باشند یا از سوی ستادهای انتخاباتی پر قدرت حمایت شوند.

در هر حال درست آن است که وعده‌هایی داده شود که علاوه بر صحت و درستی و بیجا بودن برای منافع و خیر عمومی، تحقق‌پذیر و امکان‌پذیر هم باشند و مسیر عقلانی و منطقی برای شکل‌گیری آنها طی شده باشد.

۵ صرف‌نظر از شرایط طرح وعده‌ها و شعارهای انتخاباتی، ملاحظه مهم دیگر، در خصوص اجرایی و عملی شدن وعده‌های انتخاباتی است. برای مثال رئیس‌جمهوری کنونی در انتخابات و رقابت‌های سیاسی سال ۱۳۹۲ و سال ۱۳۹۶ وعده‌ها و شعارهایی برای انجام گشایش در فضای بین‌المللی، رفع تحریم‌ها، رونق اقتصاد و معیشت و اصلاح روندها و تدابیر نظام در حوزه فرهنگی-اجتماعی مطرح کرد که با اقبال میلیون‌ها نفر از رأی دهندگان ایرانی مواجه شد. نقطه ثقل و مرکز این وعده‌ها نیز «تدبیر صحیح» امور کشور و تولید امید، انگیزه و شور ملی برای ایرانیان بوده است. اما در میدان عمل و تا آنجا که به قوه مجریه مربوط می‌شود دولت یازدهم و دوازدهم با معاهده برجام با کشورهای ۵+۱، موفق شد کشور را از فشارهای حقوقی-سیاسی شورای امنیت سازمان ملل خارج کند که در پی آن، یک دوره رونق و شکوفایی اقتصادی آغاز شد که به دلگرمی کارآفرینان، فعالان اقتصادی و عموم مردم ایران منتهی شد. در همان مقطع کوتاه پس از برجام، مردم ایران شاهد رونق و تحرک اقتصادی قابل قبولی بودند و دولت مستقر توانست بسیاری از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را ارتقا دهد. البته تحقق این شرایط، بواسطه وضعیت مساعد داخلی (در سطح ملی) و در سطح بین‌المللی (نگاه خاص دولت اوباما به برجام) بود.

۶ به این اعتبار، می‌توان گفت دولت برآستی و درستی از عهده تحقق وعده‌های خود برآمد و از نظر اخلاقی توانست پاسخگوی انتظارات بحق مردم و جامعه ایران باشد. همان انتظاراتی که در جریان رقابت‌های انتخاباتی از سوی روحانی مطرح و با اقبال رأی دهندگان مواجه شد.

به این ترتیب، رئیس‌جمهوری با محاسبه شرایط مساعد داخلی و اوضاع مناسب بین‌المللی وعده‌هایی داد که قلب این وعده‌ها «انجام مذاکرات اصولی با قدرت‌های جهانی» بود که این وعده هم در عمل محقق شد. اما آنچه در ادامه پدید آمد بروز و ظهور یک مجموعه شرایط جدید بود که با استقرار دولت ترامپ در ایالات متحده به وجود آمد.

با خروج ترامپ متأسفانه شرایط مساعد بیرونی (خارجی) و سپس شرایط مناسب داخلی (در سطح ملی) نیز تضعیف شد و پادشاه مخالف شروع به وزیدن کرد. بنابر این صادقانه باید گفت آنچه در سال‌های ۹۷ به بعد و با خروج ترامپ از برجام رخ داد، ربطی به عملکرد دو وعده‌های دولت نداشته است.

دولت دوازدهم در تحقق و پیگیری وعده‌های خود کوتاهی نکرده است. ضمن آنکه بخش مهم دیگری از وعده‌های دولت در عمل محقق و اجرایی شد و حسب شواهد و شاخص‌های متعدد، دولت از کارآمدی و کفایت لازم برای تحقق شعارهای خود برآمده است.